



سوگنامه شهید «میثم» و «حیدری»

صفحه ۹

معرفی کتاب مهم در تاریخ افغانستان

صفحه ۱۱

قسمت دوم



طلوع وحدت

ارگان نشریندگرنه گزین وحدت اسلام افغانستان - کویته

سال دوم - شماره (۲۴) حمل ۱۳۷۲ هـ ش ۱۴۱۳ هـ ق ۱۹۹۳ میلادی

افغانستان در یکسالگی که گذشت

از: استاد محقق افشار

یکسال قبل در اوایل برج حمل سال ۱۳۷۱ - خاتمه داده بودند برسلطه شوم بقایای رژیم ملحد و مزدور مارکسیستی نجیب بر اثر جهاد خالصانه و شجاعانه و بی باکانه و جهاد طولانی چهارده ساله مجاهدین مخلص و پاک باخته، رشید، مقاوم و دلیر افغانستان سقوط کرد همانطوریکه بر اشغال نظامی ارتش سرخ تجاوزگر و خونخوار شوروی (سابق) صفحه ۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان

افغانستان

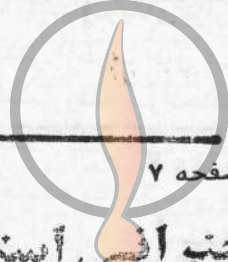
این روزها مصادف است با یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم مارکسیستی در افغانستان، بجای آنکه بود که مردم مظلوم و محروم افغانستان درین روزها با شور و شعف سالگرد پیروزی انقلاب خونبار و اسلامی شان را که برای به ثمر رساندن آن ۱۴ سال تمام جان فشانی کرده بودند و شهدای بی شماری از بهترین فرزندان خویش تقدیم داشته و خسارات فراوان مالی داده و بی خانمان شده اند جشن می گرفتند و پذیرای مهمانانی از گوشه صفحه ۲

سخنرانی آقای معصومی مسئول کمیسیون

فرهنگی دفتر شهید در مراسم تجلیل شهدا

صفحه ۵

در کویته



صفحه ۷

سخنرانی استاد محقق افشار مسئول دفتر

بنیاد اندیشه کویته در مراسم تجلیل شهدای کابل

شهادت امام صادق «ع»

آنچه درین شماره میخوانید

- ۱- اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
- ۲- افغانستان در یک سالگی که گذشت
- ۳- معرفی کتاب مهم در تاریخ
- ۴- سوگنامه شهید "میثم وحیدری"
- ۵- متن سخنرانی آقای معصومی در
- ۶- متن سخنرانی استاد محقق افشار
- ۷- شهادت امام صادق (ع)
- ۸- گریه: اخبار، تبصره و

بیست و پنج ماه شوال سال ۱۱۰۰ هـ ش شهادت المناک یکی از درخشنده ترین چهره های تابناک تاریخ، ششمین پیشوای راستین اسلام پس از پیامبر گرامی اسلام (ص) امام جعفر صادق علیه السلام است، بدین مناسبت برای عرض ادب در ساحت مقدس آن امام معصوم (ع) و مولای بزرگوار شمه از زندگانی آن حضرت با اقتباس از مدارک موثق و مستند ارقام میباید تامل و استفاده شیفگان و شیعیان و پیروان آنحضرت قرار گرفته و هم زینت بخش جریده باشد. امام صادق (ع) در شب جمعه ۱۷ ربیع الاول سال ۸۲ هجری در ایام تصدی وزمامداری عبدالملک مروان به دنیا آمد، ایشان در زمانی چشم به جهان گشود که پیشوایان ستم و سفاکان خون آشام اموی حکومت امت مسلمان را غاصبانه و جائزانه بدست گرفته

صفحه ۱۰

وکنار جهان میبودند ، عظمت ، شکوه مندی و قهرمانی مجاهد مردان خود را که بزرگترین قدرت استکباری را به شکست مواجه ساخته و در آزاد سازی ملت های در بند آسیای میانه نقش بسیار مهمی را بازی نموده و تاثرات - جهانی انقلاب شان را به رخ جهانیان می کشید و بر خود میبالیدند و افتخار میکردند ، لیکن افسوس صد افسوس که چنین نشسته ملت بخون نشسته ما بجای سرور و شادمانی اکنون پس از یکسال از پیروزی انقلاب به رنج و تعب و مصیبت های بیشتر مواجه گشته که بوسیله چهره های ناپاک زر ، زور ، تذبویر که طی ۱۴ سال انقلاب در صفوف مجاهدین خود را به اسلام آراسته و در مسند های رهبری تعدادی نقاب در چهره حضور داشته که پس از پیروزی و غلبه مجاهدین بر مارکسیسم سیل خون در جاده های کابل جاری ساخت و کلبه های محقرانه مردم را بر سرشان خراب و هزاران انسان بی گناه را قربانی خواسته های نامشروع خود ساختند .

آری این مثلث شوم (زر ، زور ، تذبویر) سناریوی غم انگیزی را مرحله به مرحله به نمایش گذاشتند و بازیگران صحنه از کسانسی انتخاب شده که خواهان قدرت مطلقه درین کشور است ، این سناریوی تراژدی کسه از طریق معاهده پیشاور در بدو پیروزی وارد - صحنه گردید کارگردانان اصلی در پیشاور ضمن سرمایه گذاری بی حد و حصر ساخت کوشیدند تا بازیگران صحنه همچون (مسعود سیاف ، ربانی) در مسند و زمام داری باقی بمانند که ابقا ربانی بعد از آنهمه خیانت بار دیگر بعنوان رئیس جمهور در معاهده اسلام آباد خود سند کویای مطلب است .

آری دیدیم که سیاف و هابی خورجین دلار رو ریال بردوش با چهره مهم (زر) روی - پرده ظاهر گشت ، مسعود خائین با اصطلاح وزیر دفاع (جمعیت) که ظاهرا " چهره (زور) را با خود یدک میکشد با سیاف هماهنگ شده هر دو در پشت چهره نامدار تذبویر (ربانی) در - صحنه قرار گرفته چپ و راست شمشیر میزنند امامت ، سفانه شمشیر های این نامردان حلقوم پیره زنان و اطفال معصوم را در افشار بر میزد و جنگ افزار های دیگر شان خانه های مسکونی چنداول را خراب کرد که در میدان رزم در برابر سلحشوران و مدافعان حق و عدالت عاجز ماندند بود و شمشیر های آخته شده شان شکست توپ و تانگ که بر سر مردم بی گناه و خانه های

مسکونی آتشباری داشت ، به آتش کشیده شد چنانچه شاهد این ادعا جنگهایست که قبل از جنایت در افشار بوقوع پیوسته بود ، درین جنگها باند شرارت پیشه مسعود ، سیاف و ربانی شکست های فاحشی را نصیب شده بود ولی نامردانه از راه تذبویر بقتل عام غیر نظامی ها پرداختند که این لکه ننگ ابدی بر پیشانی مسعود ، سیاف و ربانی در تاریخ انقلاب ما خواهد ماند .

آقای ربانی با چهره عجیب - تذبویری در طول ۱۴ سال جهاد توانسته بود جناحهای سیاسی زیادی را در کشور فریب دهد ، گرچه جناحهای سیاسی جهادی ای - بودند که بار بار به افشای این چهره خطرناک و مکار پرداخته بود ، اما اکثر " بادیده ، شک مینگریست ، ولی امروز که وی در مقام عمل قرار گرفته همه باور کردند که این (مرد) - تذبویری است ، حتی افراد خود جمعیت به این فکر افتاده اند ، رهبری که هیچ پایبندی عهد و پیمان نیست ، آیا از نظر شریعت مقدس اسلام دیگر مورد اطمینان خواهد بود (!!) ؟

آقای استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی در تاریخ ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۷۱ طی یک سخنرانی مبسوطی فرمودند " من معتقدم تاریخ ۲۵۰ ساله دارد عوض میشود . آنانیکه ما ۱۴ سال با آنها همسوئی کردیم و پیمانهای را با مضامین ما دادیم و ما به پیمانهای خود وفا کردیم ولی آنها همه تعهدات خود را زیر پا کردند و خوردند " ایشان می افزاید " زمانیکه نیروهای فرقه ۵۳ با نیروهای وزارت دفاع در گیر میشود هیئت از طرف آقای ربانی و مسعود پیش آقای حکمتیار رفته و در آنجا گفتند که جنگ واقعی فعلا " پیش آمده اینجا منافقین با ملحدین یکجا شده و با اسلام می جنگند منافقین یعنی (هراره ها) و ملحدین یعنی نیروهای شمال از آقای حکمتیار میخواهد که که بیاورد جنگ شود این نامه را نور الله عماد به آقای حکمتیار برده و این نامه حالا در پیش ما است بهمین عبارت ، در مقابل چه شد ؟

اینجاست که میگویم چرا تاریخ عوض شد ؟ آقای حکمتیار جواب میدهد که من وارد جنگ نمیشوم ۰۰۰ و از من توسط بی سیم خواست که حاضرم به نفع شما وارد جنگ شوم "

آقای مجددی رهبر نجات ملی و اولین رئیس جمهور موقت طی مصاحبه ای در تاریخ ۱۲ / ۴ / ۱۹۹۳ میلادی با رادیو بی بی سی فرمودند " من با ربانی ، مسعود و سیاف مخالفم چرا که اینها در حق برادران شیعه در چنداول و افشار خیانت کردند و در آنجا بقتل عام رنجان و کویکان پرداختند و خانه های مسکونی

راویران کردند و از طرفی ۱۴ سال من را مسعود ربانی و سیاف حمایت کردم آنها در دوره گنه ریاست دولت در دست من بود خیانت کردند " با این وصف سرنوشت ملت غمناک افغانستان ملعبه دست (مسعود ، سیاف و ربانی) قرار گرفته گاهی از طریق (زور) یعنی تحمیل جنگ ، گاهی از طریق تذبویر ، یعنی ایجاد شورای حل و عقد کذائی و پیمان شکنی و گاهی هم از طریق (زر) یعنی خرید عناصر فرومایه ای که حاضرند ناموس شان را در برابر پول و مقام بفروشند که فروختند در جهت بقای خود - دستیابی به سلطه مطلقه میکوشند و آنچه در مغز و مخ اینها وجود ندارد جایگاه دیگران است .

در برابر چنین اندیشه و عمل مواضع حزب وحدت اسلامی که از زبان مسئولین این حزب در شماره ۸۸ هفته نامه وحدت چنین به چاپ رسیده :

۱- مادر عین اینکه در برابر تجاورات و تهاجمات دیگران دفاع راحق مشروع و قانونی خود میدانیم ، توسل به جنگ راهرگز راه حل اصولی نمیدانیم و بر " مذاکره " و عنصر توافق تاکید داریم .

۲- ما انحصار طلبی رایک پدیده ، شوم و زیانبار میدانیم و بهمین جهت بر اساس فرمول تعیین شده در مذاکرات اسلام آباد معتقدیم که به هیچ گروه و حزبی نباید بیش از یک پست کلیدی داده شود .

۳- باید به کلیه گروهها و احزاب و نیروهای مؤثر در صحنه سیاسی افغانستان بدون استثنای مطابق با میزان کمی و کیفی حضور آنها ، نقش داده شود و حقوق همه آنها تا عین گردد .

۴- با واقعیت های قومی و مذ هبی کشور بر خورد مثبت صورت گرفته و از اتخاذ خط مشی خذف و تجرید و تضعیف میلیتهای ساکن در کشور پرهیز شود .

۵- ما معتقدیم که از توافق نامه پیشاور تا معاهده اسلام آباد راه دور و درازی - پیموده شده که البته نه از نظر فاصله زمانی و مکانی بلکه از نظر تجربه عملی از اهمیت زیادی برخوردار است و باید سعی شود که اشتباهات شورای مشورتی لاهور پندی و توافق نامه پیشاور و شورای حل و عقد کابل بار دیگر تکرار نشود و گرنه با ادامه جنگهای داخلی ممکن است سرنوشت سیاسی کشور بطور کل دیگرگون شود و این فرصت بدست آمده دیگر بدست نیاید ، پس باید از آخرین شانس بهره گرفت و به مصالح علیای اسلام و انقلاب و مردم اندیشید ؟

در آنچه گفته آمد قضاوت عادلانه بعهد خواننده گان گرامی که پس از سپری



حماسه مقاومت

روسها چند سال بعد از اشغال نظامی افغانستان متوجه شدند که خط و خطا بزرگ مرتکب شده اند و در وارد کردن قوای نظامی و متجاوزان بان کشور سخت اشتباه کرده اند چون سرزمین اسلامی افغانستان چکسلواکیا و ۰۰۰ نیست که نام شیران و پرورشگاه آزاد - مردان موءمن به جهاد و شهادت است و دژ محکم مبارزه و مقاومت و قله رفیع و شامخ و نسخیرناپذیر است ، از آن به بعد در جستجو پیدا کردن راه فرار برآمدند و به حل سیاسی قضیه افغانستان روی آوردند ، رژیم دست نشانده کابل را وادار ساختند که دست به مصالحه ملی بزند و راه آشتی با مردم را - تجسس نماید و خود دست بدامن سازمان ملل زده علاج کار و راه فرار از این " مزار " بی شفا درخواست نمود که در این راستا شست های مکرر و جلسه های پی در پی جینوا برای حل معضله افغانستان دایر شد و راه فرار ارتش سرخ شوروی سابق هموار گردید .

پیشنهاد حکومت ائتلافی

پس از فرار مفتضحانه سربازان روسیه سابق و ارتش سرخ از کشور قهرمان پرور افغانستان حرف و سخن از حکومت ائتلافی در میان آمد در همه جا گفتگو از دولت مشترک - مجاهدین مسلمان و ملحدین کمونیست بود طرح و نقشه تشکیل دادند دولت ائتلافی توسط احزاب اسلامی جهادی و حزب چپی ، دموکراتیک خلق پی ریزی می شد سعی و تلاش دائمی و پی کبر و همیشگی و مستمر سازمان ملل برای ایجاد چنین دولتی بود ، شعارهایی که روسها رفته اند دیگر جنگ برای چه ، تاکی افغان بدست افغان کشته شود ، کمونیستها از همین کشور هستند و هم حق زندگی دارند میتوانند در سرنوشت خود سهم باشند در حکومت شرکت نمایند و ۰۰۰ را سرمیدادند رفت و آمد های پی در پی آقای خاویز کونویار دبیرکل پیشین سازمان ملل در افغانستان و اسلام آباد و تهران در محور همین قضیه بود و تدوین طرح پنج ماده ایشان در همین - راستا بود و همه تلاش برای این بود که قدرت را بین مجاهدین مسلمان و ملحدین مارکسیست تقسیم نمایند کوشش همه جانبه سازمان ملل آنقدر وسیع و گسترده تبلیغ می شد که تمام رسانه های خبری را متوجه و مشغول کرده بود .

شکست طرح سازمان ملل

با فروپاشی حکومت کمونستی کابل و سقوط و سرنگونی رژیم ملحد نجیب مزدور و انتقال قدرت به مجاهدین عملاً " نقشه های سازمان ملل نقش بر آب شد ، طرح ۵ - ماده - منشی سازمان ملل خنثی گردید و زمینه برای حکومت مشترک باقی نماند و صرف دولت ائتلافی از زبان ها افتاد و حکومت مجاهدین و حاکمیت جهادگران مسلم گردید ، موقعیت مجاهدین تثبیت شد ، باند خلق و پرچم و حزب دموکراتیک کنار گذاشته شد حکومت کمونستی برای ابد از خاک افغانستان رخت بر بست و بساط حاکمیت مارکسیست از این کشور برچیده شد ، طومار سلطه کمونیسم در سطح جهانی درهم پیچیده و در زباله دان تاریخ انداخته شد ، کمونیست های خائین و وطن فروش با فرار کردن جانب کشورهای -

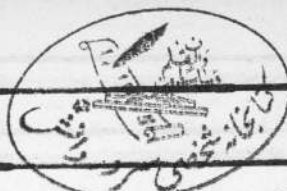
غرب و شرق متواری شدند و با باخوف و ترس در انتظار محاکمه و مجازات دادگاه عدل اسلامی نشستند و بیاب طمع عفو مجاهدین شعار از بین رفتن کمونیست را با شکست رژیم شوروی سابق سردادند ، یادرنقاب اسلامی گرایش اسلامی را علم کرده دو آتش مسلمان شدند .
تجربه تلخ حکومت موقت انحصاری

احزاب جهادی پیشاورنشین تجربه تلخی از ناکامی دولت های عبوری انحصاری هفت تنظیمی که در پیشاور تشکیل گردید داشتند بررسی تاریخ افغانستان نشان میدهد که در طی چند صد سال اخیر فقط حاکمیت یک خانواده و یک قبیله بوده است چنانچه یک قرن فقط خانواده محمدزائی حکومت مطلقه داشت که همه ملت و مردم افغانستان به این حکومت تن داده بودند خوی گرفته بودند و عادت کرده بودند ، متأسفانه در سالهای طولانی انقلاب که با رژیم ملحد کمونیستی در جهاد و قتال بودند انحصار گروههای جهادی در قبضه قشر خاص و طایفه مشخص بود ، در پیشاور گروههای رسمی در هفت گانه منحصر شد تمام امداد های مالی تا کمک های تسلیحاتی در اختیار آنها قرار داشت تمام تبلیغات از رسانه های خبری جهان برای آنها بود (و آنها هم خود را قیامتستان می دانستند) ملیت های محروم محروم و عربستان سعودی و مراکش و بعضی کشورهای بودند بیشتر از ۳۰٪ کل جمعیت را که هزاره خلیج فارس برسمیت شناخته شد و بر امر شور هاتشکیل میدادند به عنوان اقلیت قلمداد - خارجه آن در بعضی کشورها مسافرت رسمی نمود نموده تبلیغ می شد دو درصد ، نهایتاً ده -

درصد جمعیت آمار میدادند و هفت گروه پیشاورنشین که ۹۵٪ آن را برادران پشتون تشکیل میدهد خود را نماینده کل جمعیت افغانستان میدانستند و آنها از کل مزایا و کمک های برخوردار بودند این بود که فقط آنها دولت عبوری را تشکیل دادند و تمام اعضای کابینه دولت از آنها بود ، چون انحصاری و طبقاتی و دور از عینیت جامعه انقلابی و مسلمان افغانستان بود هیچ کارائی نداشت فقط در ساحه پیشاور دارای تشکیلات پرطمطراق بود که حتی در - کمپ های مهاجرین در پیشاور از قبولیت بر خوردار نبود و مردم افغانستان از آنها تابعیت و حتی اطلاع نداشتند و حتی هیچ نقشی را در هماهنگ ساختن گروههای عضو دولت موقت ایفاء نکرد ، این بود که رهبران هفت تنظیم و دولت های کمک کننده در سدد تشکیل دولت به قاعده وسیع شدند .

نقش شورای مشورتی

این بود که با تشریفات چشمگیر و تبلیغات گسترده و بی گیر طی طرح و برنامه حساب شده زیر نظر و اشراف دولت میزبان با توافق سران گروههای هفت گانه برای تشکیل دولت قومی و فراگیر قبل از خروج روسها شورای مشورتی در مقرر حاج کمپ را ولپندی دایر شد که در آن - نمایندگان احزاب هفت گانه گرد آمده بود قوماندانها ، علما ، موسفیدان و افراد وابسته و اعضای احزاب جهادی مستقر در پیشاور - شورای مشورتی برای تشکیل دولت عبوری ای را ایجاد کردند که در آن نماینده های ملیت های محروم حاضر نبودند ، نماینده شیعیان در آن جلسات راه نداشتند قبلاً " طی نشست های توافقنامه رار ، عیس دولت موقت گروههای هفت گانه با سخنگوی شورای ائتلاف هشتگانه شیعیان امضا کرده بود که زیر نظر دولت و همسایه اسلامی و میزبان (ایران و پاکستان) قرار داشت ، قرار بود طبق آن یکصد نفر از احزاب شیعه و اعضای شورای ائتلاف در شورای مشورتی شرکت نمایند توافق نامه رسمی نقض گردید و از شرکت شورای ائتلاف ممانعت بعمل آمد . در نتیجه بدون حضور نماینده شیعیان و شورای ائتلاف و دیگر ملیت های محروم به تصویب شورای مشورتی دولت موقت تشکیل شد بیاب بود (اینکه دولت عبوری از سوی دولت پاکستان و عربستان سعودی و مراکش و بعضی کشورهای بودند بیشتر از ۳۰٪ کل جمعیت را که هزاره خلیج فارس برسمیت شناخته شد و بر امر شور هاتشکیل میدادند به عنوان اقلیت قلمداد - خارجه آن در بعضی کشورها مسافرت رسمی نمود نموده تبلیغ می شد دو درصد ، نهایتاً ده -



چون باصطلاح خود ایشان دارای قاعده وسیع نبود و اکثر ملیت های مجاهد و شیعیان در آن - شرکت نداشت کاری نتوانست و محبوبیت پیدا نکرد و حتی از فتح شهر مرزی جلال آباد عاجز ماند و بانا کامی تمام از هم پاشید .

توافقنامه پیشاور

این بود که برای جانشینی دولت روبرو والنجیب در جستجوی دولت فراگیر شدند ، ماهها گفتگو بین سران احزاب جهادی پیشاور بشمول حرب وحدت و گروههای دیگر جهادی برای نحوه تشکیل دولت موقت که جاگزین حکومت کابل شود دایر بود ، جلسات مستمر و نشست هاهمه روزه برقرار و چندماه دوام داشت طرح ها و برنامه هابه توافق نزدیک میشد ، گفتگوها در جو بسیار دوستانه و سازنده ادامه داشت نتایج ثمر بخش مشهود بود که بفیصله قناعت بخش و تفاهم همه گروههای انجامید ولی بعد

اعلام نجیب به کناره گیری و تصمیم دادن قدرت رابه نیروهای جهادی متاسفانه نشست عجولانه ای طبق برنامه از قبل تعیین شده در ساختمان دارالایتام پیشاور با حضورش تنظیم (که آقای حکمتیار گفته میشد برای بدست گرفتن قدرت و راه انداختن کودتا جانب کابل رفته بود) از هفت تنظیم پیشاور نشین و به اشرف وزیر اعظم پاکستان و نماینده سعودی آقای ترکی الفیصل دایر و دولت موقت اعلام شد ، برخلاف روند و فیصله جلسات چند ماهه و بدون اشتراك بقیه تنظیم های جهادی از جمله حزب وحدت اسلامی که با وجود حضور در پیشاور از قضیه اطلاع نداشت ، اعلام توافق نامه در شهر پیشاور و مجاهدین رابهت زده سا در همان روز اعلامیه مشترک از سوی پنج تنظیم جهادی صادر شد این حرکت عجولانه و غیر واقع بینانه را محکوم کردند که از این دولت انحصاری بوی خون بمشام میرسد و مسئولیت عواقب آن رابه عهده نگرفتند و خواستار شدند که باید در دولت آینده همه گروههای جهادی و همه ملت های رزمنده شرکت داشته باشند ، گرچه تلاش زیاد شد که دیگر تنظیم ها را شرکت و برنامه انحصاری به آنها هم تحمیل کنند که بعضی گروهها با گرفتن بعضی مقام ها بدولت پیوسته اعلام کردند که مابحق خود رسیدیم ، در ایام توافقنامه پیشاور حق شیعیان افغانستان - و حزب وحدت اسلامی کاملاً نادیده گرفته شد بسیار گروهها و ملت های مجاهد که ۱۴ سال بار انقلاب را بدوش کشیده بودند باز محروم ماند از آغاز پیدا بود که چنین دولت تحمیلی و انحصاری و وارداتی بدور از واقعیت و عینیت جامعه صلح را در افغانستان تا همین نمیآید

بلکه جوی خون را در افغانستان جاری میکنند که کرد :

خشت اول گرنه دیمعمار کج
تا اثریامی رود دیوار کج

دولت های موقت

آقای صبغت الله مجددی اولین رئیس دولت موقت اسلامی افغانستان که آدم واقع بین و صلح طلب ، مسلمان صادق است در دوره ریاست جمهوری اش تلاش زیاد کرد که حکومت اسلامی فراگیر شود همه ملیت های رزمنده سرزمین افغانستان که در طول ۱۴ سال انقلاب رنج دیده اند و بار انقلاب را بدوش کشیده اند و حق دارند باید در دولت سهم بگیرند توافق حزب وحدت اسلامی راهم حاصل کرد و شیعیان هم داخل دولت شدند و باعلاقه خاص فعالیت را در دولت آغاز کردند ولی نوبت که با آقای برهان الدین ربانی رسید متأسفانه باز همان خط انحصاری شروع شد لحظه به لحظه حاکمیت باندی و گروهی تحکیم شد جنگ های خونین و خانمان سوز در کابل بر راه افتاد غیر از جنگ های قدرت که بین رقبابود وجود چشمگیر حزب وحدت اسلامی و ملت مستضعف و محروم هزاره که اکثریت شهر کابل را تشکیل میدهند را تحمل نتوانسته جنگ های پی در پی رابه آنها تحمیل کردند ، حزب وحدت که هیچگاه طرفدار جنگ نبوده و نیست و همیشه خواستار مذاکره و حل مذاکره و حل قضیه را بان نشست های دوستانه و برادرانه بوده است مجبور شد از خود دفاع نماید ، و مثلث شوم سیاف ، ربانی و مسعود را پاسخ مردانه بدهد ولی ائتلاف مثلث شوم و باند وهابی سیاف و شورای نظار دست به توطئه خائنانه ای زد همانطوریکه بودجه بر باد شده ، بانک افغانستان را در راه خرید و کلای قلابی برای باصطلاح شورای حل و عقد مصرف کرده بود این دفعه که از جنگ رویا روئی یا شاگردان میکتب ائو جید حسین ابن علی (ع) و فرزندان فداکار شیعه عاجز آمده با همکاری ستون پنجم از راه معامله ناجوان مردانه با اغفال و خریداری افراد مست عنصر و مزدور غائله حمله بمناطق مسکونی افشار را آفرید و جنایات وحشیانه که عبدالرحمن فاشست در یکصد سال قبل نسبت به شیعیان مرتکب شده بود و ننگ ابد تاریخی را برای خاندان خود گذاشته بود بالاتر از آن را مثلث شوم ربانی ، مسعود و سیاف در طی سه روز در منطقه شیعه نشین افشار کابل انجام داد و لکه ننگینی بر تاریخ انقلاب افغانستان آفرید که جنایات آقای ربانی و سیاف را تاریخی نخواهد بخشید و هیچ انسان صاحب وجدانی

اترا عفون خواهد کرد و بهیچ پوشش و تا ویلی آنهمه قتل پیر مردان ، زنان ، نوجوانان و طفلان و هتک نوامیس مردم مسلمان و آتش ردن و تاراج کردن منازل شان توجیه پذیر نیست .
قرار بود طی دو هفته دولت تشکیل شود و اینک حدیثه ها با یکدیگر تملیح و تهنیت تفاهم کامل صورت نگرفته و کابینه دولت تشکیل نشده ، با مطالعه و بررسی حوادث و وقایع یک سال گذشته واضح است که بزور اسلحه و نیروی جنگی نمیشود صلح راتا همین کرد یا گروهی را از صحنه خارج و این بازی های سیاسی جز خون ریزی و خسارت بیشتر خرابی و ویرانی افزونتر و جنگ های طولانی تر دیگر ارمان برای افغانستان نمی آور در راه اساسی برای حل معضله افغانستان واقع نگری احزاب جهادی سیاسی افغان است که باتفاهم همدیگر و نشست های دوستانه و در نظر گرفتن و قبول کردن حقوق حقه همه ملت ها و ولایت ها و اقوام و گروهها و شرکت دادن همه در دولت بدون انحصار طلبی و برتری جوئی که همه مردم اعم از هزاره ، پشتون ، ازبک و تاجیک هر یک به اندازه شعاع وجودی و واقعیت عینی شان سهم در دولت باشند و سهم شان از حقوق سیاسی و اجتماعی معین باشد ، از این راه است که میتوان صلح و امنیت راتا همین کرد و حکومت باثبات و پایدار را برقرار ساخت و با شرکت دادن همه احزاب و گروهها و اقوام و ملیت ها در دولت و سهم گرفتن همه گان در حکومت و سرنوشت آینده شان میتوان زمینه صلح دائمی را فراهم ساخت و نیروهای مسلح و تفنگ بدوشان را قانع ساخت و جنگ و قتال رابه صلح و امنیت تبدیل کرده حکومت پایدار را ایجاد کرد .

و این مهم در مذاکره و مفاهمه رویاروئی خود افغانها بدون گروه گرائی و قوم پرستی و تفوق طلبی با توافق و تفاهم و همکاری میسر است نه در مداخله دیگران و طرح های بیگانگان که قیم وار در موضوع حل قضیه افغانستان بر خورد میکنند به امید آنروز که همه ملیت های افغانستان همدیگر را بپذیرند و بحقوق یک دیگرش تن در دهند و کسانی را که حق دارند در دولت سهم باشند سهم بدهند و حکومت باثباتی بوجود آورده زمینه بار سازی کشور مخروبه و جنگ زده را فراهم آورند . پایان
بهر روز گزرا تا ای معصوم .

شکست حرب وحدت است و شکست حرب وحدت شکست شیعه در افغانستان است و باید این را در خاطر سپاریم که در سایه هماهنگی ها باید بیشتر کار شود و بشنود هماهنگی ها تحکیم باید .
والسلام

سخنرانی آقای معصومی مسئول کمیسیون

فرهنگی دفتر مشهد در مراسم تجلیل شهدا

در کویته



بسم الله الرحمن الرحيم

والذین جاهدو فینا لنهدينهم سبلنا
 یاد و در فراوان به ارواح طیبه و تابناک
 شهدائی که در راه عدالت و آزادی انسانها
 جان باختند و با کسب اجازه از اساتید محترم
 و حضار گرامی :

همه میدانیم انقلاب اسلامی
 افغانستان یا انگیزه اسلامی و الهی شروع
 شد مردم ما آنوقتی که احساس کردند در
 افغانستان يك نظام ملحد و الحادی وابسته
 به بلوک شرق به کنونیست جهانی حاکم
 شده است برای حفظ عقیده و فرهنگ
 و عنعنات ملی و اسلامی به پا خواسته اند
 در آن زمان که انقلاب آغاز شد، آنجا که
 انگیزه ها خالصانه بود همه با هم در کنار
 یکدیگر و با احساس اسلامی مبارزه میکردند
 و با جهاد خودشان ادامه میدادند و در روزمان
 ما دیدیم که آنهایی که فرصت طلب هستند
 و آنهایی که برای تصاحب قدرت می اندیشید
 از مسیر اسلامی منحرف شدند و شروع کردند
 به يك سلسله تبلیغات زهر آگین علیه
 کسانی که آنها برای خودشان حریف درست
 کرده بودند و لذا ما هر چه ارمان اولیه مبارزه
 دورتر میشوم به همان اندازه انگیزه های
 اسلامی کم رنگ تر و انگیزه های خود محوری -
 و انحصار طلبی بیشتر مشتغل میشود و ما

در دوره مبارزه احساس کردیم که حتی
 بعضی ارتنگ نظران و آنهایی که عوام -
 اجانب بودند اینها کسان و طوایف رادر -
 افغانستان منکر شدند ، مادر دوران مبارزه
 احساس کردیم که بعضیها اصلا " در سایه
 های جمعی دنیا مطرح میکنند کسسه
 در افغانستان شیعه نیست یا اگر است چند
 درصد فوقش پنج درصد ، حجت الاسلام
 راهدی در سفری که به جرمنی ، آلمان
 و فرانسه و جاههای دیگر داشت میگوید آنجا
 متوجه شدیم که یکی از آقایون که در پیشاور -
 بوده و سخن گوی یکی از احزاب وقتی خبر
 نگاری سؤال میکند که آیا در افغانستان شیعه
 وجود دارد یا نه ؟ میگوید آره یا چهار هزار
 بیشتر نیست بعد وقتی سؤال میکند که آیا
 اینها هم در جهاد شرکت دارد یا نه ؟ در جواب
 میگوید نه اینها باین خودشان جنگ دارند

و هر از نفر را باین خودشان کشتند بعد خبرنگار
 میگوید وقتی تعداد نفوس آنها چهار هزار بوده
 و هزاران نفر را که کشته هیچ باقی نمانده گفت
 نه نه کمی مانده حالا این مصاحبه هادر کشور
 های غربی انجام شده و باین تبلیغات -
 رهرا آگین خودشان بار هم مادر شورای مشورتی
 پیشاور احساس کردیم و لمس کردیم و این
 واقعیت را دریافتیم که اینها بار هم از تکبر
 و غرور و خود محوری که دارند دست برداشته
 باینکه بهمین آقای ربانی که آمد با آقای
 مجددی در تهران صد نفر امضا کردند و وقتی
 در پیشاور آمدند همه را برپا گذاشتند و حتی
 که اینها در مجالس و ۰۰۰ سم پاشی ها را علیه
 شیعیان آغاز کردند و واقعیت بنام شیعه رادر
 افغانستان آنها قبول نداشتند، اینجا بود که
 در سال (۶۵) وقتی رهبران ما و مسئولین -
 دلسوز احزاب شیعی در پی چاره شدند
 و گفتند اگر ما در افغانستان احزاب مختلف
 باشیم و گروههای کوچک باشیم مک
 در آینده امر را با حقوق که برای ملت ما لازم -
 است محروم شویم ، لذا از همان زمان تصمیم
 گرفتند که شیعه رادر یک قالب جمع کنند
 و خوشبختانه در سال (۶۷) حرب وحدت ۰۰۰۱
 در شهر باستانی بامیان شکل گرفت ، حرب
 وحدت اسلامی نماینده کلیه اقشار تشیع
 و مردم هزاره جات است ، انگیزه تشکیل حرب
 وحدت در مرحله اول دفاع از حریم تشیع
 دفاع از ملت محروم تشیع که سالها در محرو
 نگهداشته شده بود ، بعد در مرحله دوم
 وحدت و هماهنگی با کلیه ملیت های محروم
 جامعه افغانستان و ایجاد است که مادر تاریخ
 حرب وحدت میخوانیم که حرب وحدت برای
 هماهنگی با تاجیکها که آنها هم محروم بودند
 در طول تاریخ دوهیئت فرستاد پیش مسعود
 که آن زمان شیر پنجشیر بود انگیزه حرب
 وحدت از فرستادن دوهیئت یاسه هیئت نزد
 مسعود بخاطر این بود که ملیت های محروم
 رادر جامعه افغانستان هماهنگ سارد با
 هماهنگی ملیت های محروم در جامعه -
 افغانستان يك قدرت بوجود بیاید تا جلو
 خیلی ارتجاورات دیگران گرفته شود و درین
 راه گامهای اساسی را برداشت ، لذا وقتی
 ۱۳ نفر از جنرال های که متعلق به قومیت های
 محروم بودند پیام به بامیان فرستادند اینها

دولتی بودند و برگشته بودند پیام فرستادند
 که اگر حرب وحدت از آنها حمایت کند شهر
 مزار افتح میکنند ، لذا حرب وحدت با آنها
 همکاری کرد و شهر مزار بانیر و های حرب وحدت
 و بانیر و های صفحات شمال آزاد شد درینجا
 هم با وجود که آقای مسعود کوچکترین نقشی
 در تسخیر شهر مزار و آزادی آن پیدا -
 معذالک حرب وحدت بخاطر هماهنگی اسم
 شورای نظار جمعیت را آورد و مصاحبه که
 برادران کردند گفتند که جمعیت اسلامی هم
 نقش داشته در صورتیکه آنها اصلا " خبر نداشت
 که در شهر مزار چه میگذرد ، بآنهم حرب
 وحدت تلاش خود را کرد حرب وحدت با آقای
 مسعود و جنرال دوستم يك شورای جهادی بوجود
 آورد تا این طریق شهر کابل را نیز فتح کنند
 و افغانستان را از اشغال کمونیست ها آزاد کنند
 معاهده و پیمانها امضا شد ولی وقتی این معاهده
 امضا شد آقای مسعود بعنوان رئیس شورای -
 جهادی و آقای محقق شولگر از حرب وحدت
 بعنوان معاون انتخاب شد از همان فردا
 آقای مسعود کارشکنی را آغاز کرد ، وقتی بالای
 شهر چاریکار و جبل السراج و بگرام حمله کرد
 تصمیم را خودش گرفت بدون اینکه مشورت با
 حرب وحدت و سایر نیروهای شمال بکنند
 همانطوریکه استاد مزاری میفرماید بنا شد که
 چهار هزار نفر از سمت شمال وارد کابل شود و
 هزار از میدان وارد کابل شود ولی وقتی مسعود
 وارد شهر کابل شد بتمام نیروهایش دستور
 داد که جلونیروهای حرب وحدت را بگیرد تا
 وارد کابل نشود ولی از آن جاکه رهبران حرب
 وحدت دارای طرح و برنامه بودند کار را قبل
 از ایشان انجام داده بودند و در اوایل فتح کابل
 بیش از صد نقطه استراتژیکی شهر کابل در -
 دست حرب وحدت بود اینجاممکن است کسی
 سؤال بکند که چرا این هماهنگی بهم خورد
 چرا حرب وحدت که آن استراتژی را پیش گرفته
 بود هماهنگی بانیر و های مسعود چرا اینرا کنار
 گذاشت ؟ من بطور فشرده علل این مطالب
 را عرض میکنم همانطوریکه میدانید از طرف
 وهابیت چهار جنگد تحمیل شد ، وقتی آنها
 دیدند شیعیان در کابل حضور دارند از طرف -
 دیگره اربابان شان اینها اینطور فهمانده
 بودند که در افغانستان شیعه وجود ندارد ولی

وقتی دیدند نصف شهرکابل و بیش از نصف - شهرکابل بدست حرب وحدت بعنوان ممثل واقعی تشیع افغانستان وجود دار دانهاراه دیگر راپیش گرفتند و آن راه عبارت از این بود که بیابند و شبعیان را سرکوب کنند ، لذا وهابی ها چهار جنگ را علیه حرب وحدت کردند - ظاهراً " درین چهار جنگ آقای مسعود حضور نداشت و گاهی هم نقش میانجیگری را بازی میکرد ولی آنهایی که در صحنه بودند و در متن واقعیات کابل بودند میگویند نظامیان سیاف اگر می جنگید به بازوی مسعود می جنگید بعنوان نمونه وقتی نان سیلو برای نظامیان سیاف میفرستاد بالایش نان وزیران اسلحه می گذاشت و در بعضی مواقع عملاً " بر علیه حرب وحدت وارد جنگ میشد ، ازین کسه بگذریم در جنگ پنجم اصلاً " جنگ بی - نیروهای منصور نادری و شورای نظار بود ولی اینها شروع کردند به گرفتن مردم هزاره - اینها جنگ را بر علیه ما تحمیل کردند در جنگ پنجم هم اینها جنایات زیاد کردند ولی انطوریکه باید و شاید منعکس نشد اینها چنداول را خراب کردند چنداول که مرکز تشیع بود چنداول که در دوران اختناق مردم شان روی احساسات پاک اسلامی قیام کردند و شهدای فراوان دادند ولی در آن زمان چنداول را خراب نکردند ، اما در جنگ پنجم نیروهای مردورویست آقای مسعود منطقه چنداول را با خاک یکسان کردند ، جنگ ششم را بر ما تحمیل کردند اگر در جنگ ششم پیروزی را بدست آوردند اینها پیروزی خود شان نبود چون مادر پنج جنگ ثابت کردیم که نه مسعود ونه کس دیگر قدرت این را - نداشتند که نگاه نکنند ولی ستون پنجم دشمن آنهایی که دین را بدینا فروخته اند معامله کردند معامله اینها بود که مردم را به این سرنوشت مبتلا کردند و آن همه جنایت و فجایع را در افشار بوجود آوردند - آنها در مسئله وزارت خانه ها قبل از آن هم چهار وزارت را برای حرب وحدت اعلان - کردند سه وزارت را دادند چهارمی را مسکوت گذاشت چند معاونت چند ریاست ، بعضی شان را داد ، بعضی شان را نداد اصلاً " در طول تاریخ سیاسی مسعود و ربانی اگر انسان مطالعه بکند اینها غیر از اینکه کلاه روی سر دیگران بگذارد دیگر کاری نکرده اند ، آقای محقق شولگر صحبت میکرد وقتی در شمال می آیند نمایندند شان پیش ما میاید که ماوشما فارسی ریان هستیم باید علیه ازبکها جنگ کنیم وقتی پیش ازبکها میروند میگوید ما و شما سنی مذهب هستیم اینها شیعه هستند چرا ما با یکجاشده نمی جنگید ، وقتی در ایران میروند شیعه میشود قیرامام را بارت میکند همینکه از ایران در پاکستان آمد ایران را فحش میدهد در پاکستان هم همین طور در پاکستان

ازین طرف در اسلام آباد میروند معاهد را امضا میکنند از آن طرف وقتی داخل میروند می گوید باید احمد شاه مسعود وزیر دفاع باشند حال اینکه معاهده شده که در هر حزب بیش از یک وزارت کلیدی در اختیارش نباشد روی - این جهت اگر پشتونها در طول تاریخ انجام دادند تاجیکها در ظرف یکسال جنایات پشتونهای متعصب را چند برابر انجام دادند اینجاست که حرب وحدت مجبور است در استراتژیک اولیش تغییر بدهد و بدینال متحد سیاسی دیگر برود ، ما معتقدیم تا واقعیتهای افغانستان ملحوظ نشود و تا آن زمانی کسه در افغانستان روی حقیقت های کشور مذاکره

ملحوظ نشود افغانستان راه صلح و آزادی و - امنیت را نخواهد دید و آقایان که این تلاش ها را میکنند بجائی نمیرسد و تا هنوز که هنوز است بعد از معاهده اسلام آباد بار هم مسایل بجای خود باقی است و حل نشده و کابینه تشکیل نشده بعداً " گفتند نه کابینه بجای خود باقی است مگر چینه کابل را داشتیم ولی فاجعه کابل باز برای - مردم مباعث هماهنگی شد وقتی جنایات جنایت کاران را در افشار مشاهده کردیم احساسات پاک مردم خود را در اقصی نقاط جهان دیدیم مادر ایران بودیم دیدیم کسه



نشود در پاکستان قابل حل نیست در افغانستان نه پشتون تنها است نه ازبک نه هزاره ونه دیگران ، آقایان وقتی در پیشاور می نشینند کوشش میکنند که بین حکمتیار و ربانی آشتی بوجود بیاورند اینها دور از واقعیت های عینی جامعه افغانستان قضاوت میکنند . امروز در افغانستان نیروی عمده سیاسی و نظامی وجود دارد و هر کدام اینها را اگر نادیده بگیریم معنایش اینست که ما واقعیت های افغانستان را نادیده بگیریم ، مسئله تشیع افغانستان نیروی عمده است مسئله ازبکها با همه امکانات و هماهنگی و موقعیت های استراتژیک که در اختیار دارند شهر مرار شریف و صفحات شمال نادیده گرفتن اینها قابل حل نیست و بهترین راه حل همان بود که رهبران واقع بین حرب وحدت ارائه دادند و آن طرف قبل از چهار ماه این بود که در قدرت افغانستان ۴ ملیت بعنوان چهار واقعیت در متن جغرافیای افغانستان در نظر گرفته شود هزاره ، ازبک ، پشتون و تاجیک و تاریخی که این واقعیت در افغانستان

جوانها خواستار اعرام شان به جبهات شدند . ما از رادیوها شنیدیم که برخلاف ربانی ویاند مسعود و سیاف تظاهرات هاشد ما وقتی در پاکستان آمدیم دیدیم که یک هماهنگی عجیبی بوجود آمده بین تشیع پاکستان و افغانستان در عید فطر هم تحریک بود هم تنظیم هم امامیه ارگنا برش بود و هم هزاره استودینس فدایشن هم مرکز بهبود هزاره و سران هزاره این در طول تاریخ این کشور یک چیز عجیبی بود این قدر هماهنگی و فداکاری باید بعنوان یک نقطه ، طلائی در تاریخ این مردم بماند و ما از همه برادران باید تشکر کنیم مانه بلکه وظیفه اسلامی اینهاست ، استاد مراری در یک صحبت با برادران گفته بود ، اگر کابل با عرت باشد هزاره ها در پاکستان و جاههای دیگر نیز با عرت خواهد بود لذا در هر نقطه ، دنیا که باشید باید کابل را در نظر بگیریم ، کابل مرکز آروهای همه است شکست استاد مراری



دانشجویان افغانی استاد محقق افشار مسئول دفتر کویته در مراسم تجلیل شهدای کابل

دراغاز از تشریف آوری دوستان عزیزانیکه در مراسم تجلیل شهدای مظلوم حزب وحدت اسلامی افغانستان شهیدای قهرمان کابل وبخصوص دوشهید عزیز اخیر شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی برادران - شهید (حیدری) وشهید (میثم) که برای اعزام نیرو و تقویت جهات خونبار در کابل مسئولیت داشتند وبه شهادت رسیدند ضایعه بزرگ بر حزب وحدت وارد آمداز همه عزیزان که این مجلس باشکوه راتشکیل داده اند از علما و بزرگان قوم ودانشمندان تشکر میکنم .

وتنهانماینده هزاره هاوشیعیان افغانستان حزب وحدت است حزب وحدت اسلامی ارملیت مظلوم ومحروم نمایندگی دارد که حتی در عصر انقلاب و در فوران انقلاب هم ناشناخته ماند ، در وقتیکه در گوشه گوشه افغانستان و در قلب آنکشور حماسه ها خلق کردند وقهرمانیهائی آفریدند بار هم حماسه ها ومقاومت ها ونبرد ها و فتح هایستور ومکتوم وپوشیده مانده همانطوریکه در طول تاریخ شاهان محمدرائی برای جهانیان هزاره ها رامخفی نگهداشته یک اقلیت ۲٪ معرفی

در کابل ، بامیان ، وبلخ ، جوزجان ، نیمروز هرات و ۰۰۰ جاههای دیگر ملیت هزاره ومردم شیعت مردانه مقاومت کردند ، دشمن را کوبیدند و حماسه آفریدند وشهدای زیاد هم تقدیم کردند ، اما انحصار طلبان انانیکه صدها سال این ملت قهرمان رادربند کشیده بودند همچنان میخواستند دربند نگهداشته ومخفی نگهدارند اما دیگران دوره گذشته واین ملت راه خود را پیدا کرده است وتا آخرین مرحله وتار رسیدن به حقوق حقه شان دست از مقاومت برنخواهند داشت جهاد وشهادت واژه بسیار مقدس وشریف



انقلاب اسلامی افغانستان ومقاومت مردانه ودلیبرانه آن سامان وبخصوص شیعیان افغانستان مطالب زیادگفتنی دارد این مبارزه ومقاومت طولانی وچهارده ساله کتاب های قطور لازم دارد تا این انقلاب بزرگ تحلیل یابد ، مادر استانه اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان قرار داریم در اواخر برج حمل ۱۳۷۱ (که امروز ۲۰ حمل ۱۳۷۲) است یک سال قبل بعد از چهارده سال مقاومت و رشادت وجهاد و بیکارشبانه روزی باتحمل خسارات سنگین و ویرانی مملکت پهناور آن کشور و بیادادن میلیونها شهید و قربانی ومعلول وزخمی وبیابکاری امان بارتش سرخ شوروی وان دستگاه جهنمی وسر سپرده گان وعمال شان بالاخره در اواخر حمل ۱۳۷۱ به پیروزی رسید این انقلاب گفتنی های زیاد لازم دارد حالاکه در استانه سالگرد انقلاب قرار داریم کدام گوشه از این بحر مواج را بازگوکنم . حزب وحدت اسلامی افغانستان ممثل ونماینده هفت میلیون شیعه وهزاره افغانستان است

میکردند در عصر انقلاب هم همه چیز تغییر کرد جز این قضیه که بار هم در اختفای هزاره ها میکوشیده ماعنایت وتوجه داریم که این مطلب را بازگو کنیم در ۱۴ سال انقلاب در پاکستان روزنامه ها ، مجله ها ارملیت هزاره ومردم شیعه نام نبردند و آراین جمعیت هفت میلیونی قهرمان مطلبی بازگو نکردند ونه گفتند ، فقط هفت گروه پیشاور نشین بعنوان جاهد شناخته می شد حماسه هائی که برادران ما وشما در جنگ باروسها آفریدند حماسه های جاودانه که بدست پرتوان جوانان شیعه وهراره رقم خورد اصلا وابتدا " بازگو نکردند حماسه نیام چنداول را که آفریدند حماسه ۲ حوت ۱۳۵۶ را که بوجود آورد که سرخط و سرفصل انقلاب شد ، بیست وشهزار شهید در هرات راکه ۶۰٪ آن راشیعیان تشکیل میداد که بازگو کرده است ، تنها هزاره وشیه در کابل نیست در سراسر افغانستان هستند

وبزرگ اسلامی است که تا حرف از جهاد و شهادت می آید چهره علی ابن ابیطالب علی (ع) که وجودش سراسر جهاد بود در محراب عبادت در راه خدابخون غلطیده صدایش به کلمه فزت برب الکعبه (به پروردگار کعبه قسم برحمت خدافائی شدم) در اذهان مجسم میشود از لفظ جهاد وشهادت چهره حسینی وهفتادودوتن شهدای کربلا در ذهن هارزنده میشود اما این واژه واین کلمه را پیروان مکتب علی وحسین وجوانان شیعه در افغانستان خوب زنده کرد وبوجود آوردند وبه نمایش گذاشتند و حماسه ها آفریدند ، آری عرض کردم حزب وحدت اسلامی که از مردم شیعه ومملت هزاره نمایندگی میکند برای بوجود آوردن ارمان مردم شیعه تشکیل یافته و در راه ان تلاش دارد ، دشمنان در سد دستند که این حزب راتضعیف کنند یکی از نقشه های آنها تبلیغ این نکته است که بین حزب وحدت نفاق ودوگانگی است ، دشمنان قسم خورده وشخصیت های خود فروخته دیگرکاری که



نتوانست به این دل خوش است حزب وحدت را تضعیف کنند بگویند گروه فلانی و شاخه، فلانی این هاهمه از تبلیغات دشمنان و از تلقینات بیگانگان و دشمنان است حزب وحدت متحد و یکپارچه است شورای مرکزی شورای عالی نظارت و شورای تصمیم گیری حزب وحدت همه متفق اند، دبیر محترم حزب وحدت مسئول شورای مرکزی ریاست شورای تصمیم گیری برادر مبارز و قهرمان آدم لایق قاطع و سازش ناپذیر آقای مزاری که در ۱۴ سال انقلاب امتحان خود را داده و مورد تائید همه است بامشوره شورای تصمیم گیری و تائید شورای مرکزی در کارها اقدام مینماید.

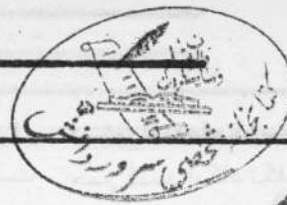
مطلب دیگر: برای شناخت حزب وحدت و ملت هزاره نیاز به مطالعه و کاوش داریم عرض کردم که همیشه تبلیغ میکردند که ۲٪ یا ۷٪ کل جمعیت است نه خیر این مردم - بیشتر از ۳۰٪ را تشکیل میدهد تنها در کابل بیشتر از ۵۰٪ یا یکل هزاره جات هزاره نیست بلکه در سراسر افغانستان در بلخ و جوزجان قندوز، بغلان، طالقان و سمنگان، غور و... اکثر این مناطق ۵۰٪ حزب وحدت تشکیل میدهد، شیعیان در هرات نیرومند است و در فراه و نیمروز حضور چشم گیر دارند یکسال قبل که انقلاب به پیروزی رسید بعد از اینکه نیروها وارد کابل شدند ۶۰٪ کابل را - حزب وحدت تشکیل میدهد و در بیشتر از یکصد موضع حساس نیروهای حزب وحدت مستقر است، در شورای مشورتی را ولپندی و قبیل از آن در سدد بودند که نام از شیعیان برده نشود و صحبت از وجود ۲٪ نبود ولی در کابل وارد شدند دیدند که هر چه بچشم میخورد - این ملت قهرمان است اسلحه بدست آنها است جاهای مهم در دست آن ها است نیروی رزمنده را اینها است، حساس شدند اول - راههای هزاره جات و کابل را بستند و جنگ های چهارگانه را علیه حزب وحدت بوجود آوردند توسط نیروهای وهابی سیاف و نیروهای انحصار طلب ربانی و مسعود. اتحاد مثلث شوم علیه مردم ما بوجود آمد و جنگ ها را تحمیل کردند، اما برادران ما مردانه رزمیدند و - جنگیدند و بخوبی از هویت خود دفاع کردند که نمونه آن را در قلم های ویدئویی کابل دیدید چون در میدان جنگ عاجز آمدند دست به توطئه خطرناک زدند قضیه افشار را که چند ماهه طرح ریزی کردند و پولهای هنگفت سعودی بدست سیاف و وهابی و پول بانگهاهمه در دست ربانی بود یک عده عناصر خود فروخته و چهره های معامله گری با کمک ستون پنجم در دام توطئه افتادند و سنگر هائی که امکان تصرف نداشت آنها را فروختند در این امکان که در جنگ شکست نخورده در چهار یا

پنج جنگ آنها را شکست دادند در هر مرحله که سیاف وهابی شکست میخورد چهره مسعود بعنوان مصلح پیدامی شد و روز بعد مناسطی تصرف شده رابه سیاف میداد، در پنج جنگ مردم ما آنها را عقب راندند و حماسه ها آفریدند و به مردم غیر نظامی و زنها و... کار نداشتند در جبهه جنگ پاسخ دادند اما در فاجعه افشار در جنگ نبود بلکه حيله شد از ستون پنجم استفاده شد بعد از عقب نشینی حزب وحدت جنایات وحشیانه و نامردانه را بر مردم بی دفاع و مناطق مسکونی انجام داد: این توطئه - برای از بین بردن برادر قهرمان و مبارز آقای مزاری و بسازش کشاندن حزب وحدت اسلامی طرح ریزی شده بود ولی کور خوانده بودند و وحدت زنده است و رزمنده است، حزب وحدت جنگ طلب نیست، خواهان مذاکره است خواست های منطقی و معقول و مشخص دارد به اندازه نفوسش باید حق داده شود و مذهب تشیع رسمی باشد، گمان میکردند بعد از بین رفتن علوم اجتماعی حزب وحدت از بین خواهد رفت غافل از اینکه حزب وحدت نه تنها در کابل بلکه در سراسر افغانستان حضور قدرتمند دارد و هفت میلیون جمعیت دارد با اینکه واقعه افشار رقت بار است نفرین بر آنهایی که اورا به وجود آوردند، اما باعث همبستگی شد کابل را تکان داد و مردم را محکمتر و مقاومتر ساخت این حادثه صدای تمام هزاره ها و شیعیان را در سراسر جهان تحریک نمود، پیام های رسیده - از ایران و آمریکا و اروپا و... حاکی از این امر است قریب یکسال از تشکیل دولت موقت اسلامی گذشته ولی غیر از خرابی و خونریزی کاری نشده است چون تشکیل دولت پیش از دور از عینیت جامعه بود روزیکه آن جلسه انحصاری در بین شش تن تنظیم پیشاور نشین تشکیل شد - در پیشاور بودم بدور از واقعیت جامعه با شتاب و - عجله با حضور نماینده سعودی و پاکستان عجلان آن توافقنامه امضا و دولت تشکیل شد حزب وحدت اسلامی و چهار گروه دیگر که در جلسات قبلی که تا همان شب دوام داشت شریک بودند خیر نشد، اعلامیه مشترک بر ناقص بودن آن دولت صادر نمودند و پیدایند که آن دولت بجای نمی رسد که رسید، مذاکره بعدی در پاکستان هم عین همان توافقنامه بود تا قضیه چنین است حقایق و عینیت جامعه در نظر گرفته نشود و حقوق همه رعایت نگردد مصلح و مصالحه ها بجائی نمیرسد، در افغانستان تنها حزب اسلامی و حزب جمعیت نیست در این کشور - ملیت های قهرمان زندگی میکنند - در افغانستان احزاب جهادی که چهارده سال جهاد کرده و بار مبارزه را بدوش کشیده اند وجود دارد تا همه آنها بحق نرسد ممکن نیست مصلح برقرار شود و امکان برقراری حکومت وجود ندارد، در شمال کشور ۸ ولایت تشکیلات و -

اداره دارند هشت ولایت غربی نیز تشکیلات خودشان بوجود آورده اند، هزاره جات از خود تشکیلات دارند که تحت اداره حزب وحدت اسلامی اداره میشود و در کابل هم وجود چشم گیر دارد، در جنوبی و مشرقی برادران - پشتون ما از خود اداره دارند، پس در یکسال حکومت موقت چگونه در افغانستان حکومت کرده است در دوره آقای مجددی که ابتدائی و کم مدت بود ولی آقای ربانی در این دو ماه به کجا حکومت داشت؟ در کابل هم سراسر قتل و خونریزی بود.

برای قطع خون ریزی و ابعاد صلح و ثبات و امنیت بهترین راه نشست راه نشست مسئولین احزاب جهادی و دست اندر کاران امور است که با در نظر داشت عینیت و واقعیت جامعه افغانستان حکومتی بوجود آورند که همه در آن شامل باشند تا بتوانند به این سر و سامانی خاتمه بخشند.

طرح چهار جانبه که چهار ملیت ساکن افغانستان هزاره و پشتون و ازبک و تاجیک یا چهار گروه نیرومند حزب وحدت و حزب اسلامی و شورای ملی اسلامی سمت شمال و جمعیت اسلامی گیردهم بنشینند و قضایای کشور را حل و فصل نمایند که آقای ربانی هم آن را امضا کرده بود ولی جاه طلبی و حب ریاست و قدرت و ادار ساخت که تخلف کرد، بهترین طرح است و تا آن روز نرسد صاحب برقرار نخواهد شد باید عرض کنم حزب وحدت که خود را نماینده شیعیان میدانند و تمام هزاره و شیعیان بآن - چشم دوخته است و عملاً آن را تائید کرده اند به آن اهداف که دارد که بدست آوردن حقوق مردم و ملتش است قاطعانه استاده خواهان جنگ نیست و تن به سازش هم نخواهد داد و - اختلاف در بین حزب وحدت نیست یکپارچه پیش میرود، در اخیر از احساسات برادران کویته باید تشکر و قدر دانی کنم که در قبال حزب وحدت ابراز کردند، پشتیبانی خود را اعلام نمودند و کمک مالی کردند که بیشتر از برادران داخل کشور است ابراز احساسات کردند گرچه ایک کمک های مالی آنقدر نیست که درد حزب وحدت را دوکند اما چیزی که ارزش دارد بیانگر همبستگی و هماهنگی و باعث دلگرمی برادران - میشود: شورای مرکزی و شورای تصمیم گیری و کلیه برادران حزب وحدت از احساسات شما استقبال میکنند و به آن می یابند، علم و او بررگان و احزاب مذهبی و سیاسی صمیمانه حمایت و پشتیبانی کردند که انشاالله این راه مستدام و پودر دوام باد، در اخیر از تشریف آوری همه عزیزان که این مراسم را مجلل ساخته اند و از شهیدان شان قدر دانی نمودند از طرف خودم و حزب وحدت اسلامی افغانستان تشکر مینمایم.



سوگنامه

شهید «میثم» و «حیدری»



برادران و حضار گرانقدر همانگونه که اطلاع دارید، مجلس حاضریه یادبود گرامیداشت خاطره جاودانه شهیدان و قربانیان جنگهای تحمیلی از سوی متعصبین وهابی و باندربانی- مسعود بر حزب وحدت اسلامی در کابل، خصوصاً "فاجعه المناک" و فراموش نشدن اهالی افشار و بدنبال آن، شهادت دوتن از فداکارترین و مخلص ترین چهره های مقاومت تشیع و هزاره آقاییان "میثم" و "حیدری" منعقد گردیده است و یادار ارتباط با این داستان غم بار و تراژدی خونین، میشود بیان را آورد که بتواند عمق ستم و قساوت دشمن را روشن نماید و کدامین قلم و بیاواژه قادر خواهد بود مجموعه جنایات وی رحمی های جلادان این فاجعه را تماماً بازگو نماید و اینست که گفتنی های امروز در حقیقت مرثیه است که از سوی فرد فرد مردم ما، بر مظلومیت کلیه شهدای کابل از زن و مرد، پیر و جوان و اطفال بی گناه خوانده میشود و اظهار نفرت و انزجار از عاملین آن تجمع و گرد همائی مردم صادر جای خود، نشانه از تجدید عهد و میثاق است با ارواح تابناک شهدا و نبخشیدن قاتلان و دشمنان شان، از دیدگاه يك ملت با هویت و بیدار، بزرگترین اهدا به پیشگاه لاله کفنان و سرخ رویان آن ملت، فراموش نکردن اهداف مقدس آنها میباشد، ولی در این میان برای احاد ملت ما، ضرورت فوق العاده دارد که در صد ریشه یابی و بدست آوردن علت های اصلی فاجعه بوده باشند، کلیه راهها و طرق آشکار و پنهان را تشخیص بدهند که دشمن از آن طریق توانست به داخل خانه ما راه یابد و ضربه جبران ناپذیر خودش را وارد نمود، بر حسب قانونمندی تاریخ هر گاه ملتی توانائی شناخت دشمن و استراتژی آنرا نداشته باشد در مسیر مبارزات خویش موفق نخواهد بود و در این ارتباط آنچه بیش از همه برای مردم ما حائز اهمیت میباشد تشخیص و معرفی چهره ها و عناصر است که همواره در درون جامعه ما زندگی نموده اند و بر اساس تعلقات مذهبی جایگاه و احترام بدست آورده اند، اما با کمال تأسف باید خاطر نشان کرد که تعدادی از میان اینها، بعنوان ستون پنجم دشمن، کار گرفته شده اند و با تطبیع آنان، ضربه های مهلک

بر ملت ما وارد گردیده، پس فرق گذاشتن و تشخیص میان خائنین و خدمتگذار در محور داخلی سبب میشود تا مردم ما از يك سوراخ - دوبار گریده نشود و علیرغم تلاشها و زحمات های آنان تاریخ، برخلاف منافع شان تکرار نشود و آنچه را که در راه بدست آوردن يك زندگی سرفراز و با هویت به بهای سالها مبارزه و بیکار کسب نموده از کف بدهند، این گونه اشخاص و قیافه های چشم پرکن که بر اثر ضعف نفس از ملاحظات شیطانی دایره شخصیت و عنوان نمیتوانند با سانی بگذرند، آب به آبیاب دشمن ریخته و به همه ارزشها و حرمت يك ملت، دهن کجی نمایند.

وجه بسازیمینه و وقوع حوادث دلخراش و فاجعه را نیز تا همین میکند، توجه به علل اصلی قضیه افشار، بیشتر، این امر را ثابت میکند، فاجعه افشار، گر چند مستقیماً توسط مدعیان اسلام به انجام رسید، اما دستان خیانتکاران ستون پنجم نیز در خون بی گناهان این حادثه، رنگین میباشد ربانی و مسعود از آنجائیکه داعیه استقرار حکومت اسلامی و عدالت اجتماعی را داشتند و نقش بزرگترین حامی و پشتیبان ملیتهای محروم را برای خود هاقابل بودند، یا وقوع فاجعه افشار بخوبی نشان دادند که آنها از روابط همکاری قیما بین، تنها به منظور بقدرت رساندن خودشان استفاده نمودند و با نقض عهد نامه ها و توافقات که انجام گرفته بود برخورد منافقانه و غرض آلودشان را نمایش گذاشت، در حالیکه برای همه ملت مسلمان افغانستان و افکار عامه جهت بی هویدا و روشن میباشد که فتح کابل و قرار گرفتن ربانی و مسعود بر اینکه قدرت سیاسی - نظامی کشور با پشتوانه بی دریغ حزب وحدت و نیروهای شمال صورت گرفت و در صورتی اگر همکاری این دونیرو، با آنان همراه نمیبود، قضایای افغانستان و مسئله حاکمیت در آن، امروز یقیناً شکل دیگری میداشت و ربانی بر مسند ریاست جمهوری و احمد شاه مسعود در پست وزیر دفاع، جانی نداشتند، اینها با تکرار کارنامه سیاه و ننگین عبدالرحمن جابر - بایبیتکه خودشان نیز به یکی از اقوام محروم بستگی و تعلق داشتند، اطمینان و اعتماد بقیه اقوام و ملت تاجیک را از دست دادند و پس از این اینان در ردیف چهره های ستمگر

و خونخوار تاریخ جای خواهند داشت، تاریخ و مردم افغانستان، اعمال آنها را هیچگاه فراموش نخواهد کرد، اشتباه عمده اتحاد و جمعیت در این بود که فکر میکردند با این نوع تهاجم ظالمانه، میتوان، موجودیت این مردم را از میان برداشت و مقاومت آنان را برای همیشه درهم کوبید، اما با کمک خداوند بزرگ و پیامردی و هوشیاری حزب وحدت ریشه های اتحاد و همبستگی در میان مردم ما بیش از پیش مستحکم گردید و در قبال سرنوشت خویش حساستر و آگاه تر شدند و این نکته از آنجا ناشی میشود که حوادث تلخ اخیر، محک آزمایش بود که مردم ما را شناخت قابل توجه دارد، هم دشمن را شناخت و هم خائنین را و - خدای راسپاس که اینک، فرد، فرد مردم ما پس از سالها مبارزه و جهاد به مرحله از - تجربه و شناخت رسیده اند که بتوانند دشمن و عوامل خیانت پیشه آنرا بشناسند.

و این از برکت و همت لاله کفن ها است که از - جویبار خونشان در وسیع دشتها، ولاله های آزادی و غیرت می روید، عزت و سربلندی خون بهای راست قامتان است که بی یا کانه با خصم زیون مصاف دادند و بالاخره با تقدیم جان خویش از اول این مردم را تضمین کردند پس اگر هدیه حقوق سیاسی ما که دیگر جای انکارش باقی نمانده و اذهان عمومی دنیا قبولش کرده، بنوبه خود، ارمغانی است که از چشمه سار خون هزاران شهید جوشیده است و اگر در چشم انداز حیات سیاسی ما روشنائی به چشم میخورد از شمیم گل های نورسته است که در جای جای این مرز و بوم پرپر گشتند و تا اکنون زمین کوچه ها و امیدان های کابل را خون آنان گرم میباشد، که در این میان شهادت دوتن از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی جناب آقای میثم و آقای حیدری، ضایعه بود که جبران آن وقت زیاد را در بر میگردد، آقایان "میثم" و "حیدری" از جمله سرداران بود که در مدت پانزده سال خونبار انقلاب همواره در سنگر جهاد و مقاومت حضور داشته اند و از آنجائیکه بیاد دارم هیچ گاه هیچش نیامد که برادر شهید میثم در - لفافه کدام تعلق و یا شکل اقتصادی و فامیلی از امر جهاد و مبارزه پشت کرده باشد، سردار شهید عبدالحکیم "میثم" درنی قلعه

شهادت امام صادق (ع)

وهماره برای حفظ و نگهداری تخت و تاج سلطنت شان قربانیانی را بدون جرم و گناه از مسلمانان اراده میگردفتند و با غارت و چپاول و ارتکاب بدترین و زشت ترین جنایتهای حکومت خود را که میداشتند، امام صادق (ع) ۱۲ سال در آغوش پرمهر جدبزرگوارش امام سجاد صلوات الله علیه زندگانی کرد و سپس از شهادت ایشان ۱۹ سال در سایه پدرمهربانش امام باقر صلوات الله علیه عمر شریف خویش را گذراند، امام صادق علیه السلام در آن دوران پر تلاطم که بیشترین مصیبت ها گرفتاریها سختی ها، محنت ها و بلاها بر سر باران و پیروان آل محمد (ص) فرو می ریخت زندگانی را با قلبی آرام و مطمئن بروعه خدا گذراند و مصیبت ها را برای خدا تحمل کرد، آنحضرت در دوران چهل و چهار سال عمر مبارکش در عصر امویان مثل عبدالملک مروان و هشام و گذشت انواع ستم ها و محنت ها، شیکه بر مردم بی گناه خصوصا "اهل بیت پیامبر و امید اشتند شاهد بود، امام صادق شاهد مسوم شدن و بشهادت رسیدن جد و پدرش بدست آن شاهان ستمگر بود، پس از دگرگون شدن اوضاع امویان و بر چیده شدن آن بساط ظلم و ستم فرجه ای — پدید آمد که امام صادق (ع) توانیست در آن مهلت بدست آمده که حکومت اموی دوران — فر توتی و سقوط خود را می گذراند و دولت عباسی هنوز نوزادی نارس بود تا اندازه زیادی انحرافات و کژیهای را که در اثر حکمرانی امویان در میان مسلمانان پدید آمده بود بر طرف سازد و درهای مکتب انسان ساز اسلام را بر روی مردم بازگشائی کند و دانشگاه بزرگ اسلامی را در منزل خود برای آموزش دانشمندان و بزرگان عامه و خاصه برپا سازد و قریب چهار هزار نفر را با علوم اهل بیت آشنا ساخته و علوم آل محمد را در جهان منتشر نماید و بدینسان منزل آن حضرت همانند دانشگاهی بود که پیوسته اردانش پژوهان برای دریافت علوم حدیث تفسیر حکمت کلام و ۰۰۰ موج میزد نه تنها اهل مدینه از آن آموزشگاه بهره می بردند که از کشورهای دور دست نیز مثل کوفه و بصره و واسط و حجاز و اهواز و ۰۰۰ دانش اندوزان برای دریافت علم و روایت بسوی دانشگاه امام صادق (ع) روانه می شدند — کمال الدین محمد بن طلحه شافعی در کتاب "مطالب السؤل" می نویسد "برخی از پیشوایان و رهبران مذہبهای گوناگون از امام صادق (ع) نقل حدیث کرده و نرد ایشان دانش آموختند مانند: یحیی بن سعید انصاری ابن جریج، مالک بن انس، ثوری، ابن عیینه

ابوحنیفه، شعبه، ایوب سجتانی و دیگران و استفاده از امام (ع) را برای خود میزیست و اعتباری دانستند که موجب شرافت و فضیلت آنها بود. در هر صورت بهترین دوران برای پخش و نشر علوم اهل اللبیت همان دوران — سفاح بود که دوران او انیل انقلاب بشمار میرفت و سیاست سالوس مابانه سفاح چنین اقتضا میگرد که در مسیر همکامی با آل — محمد (ص) و بقول خودش پسر عموهایش حرکت کند و مردمی را که علیه امویان و دشمنان آل محمد ص آنچنان شوریده بودند آرام نگهدارد، بلکه افکار عمومی را به نفع عباسیان تغییر جهت دهد و لذا خود را بعنوان فردی که برای بیعت گرفتن به نفع آل علی (ع) گماشته شده معرفی کرد و تظاهر بان تقام از قاتلین امام حسین (ع) نمود.

دوران منصور

امام صادق (ع) که از نیرنگهای عباسیان باخبر بود و هلی دانست که هر گرجالی برای قیام و تشکیل حکومت اسلامی به او امید هند لذا از فرصت طلائی برای نشر علوم آل محمد ص بیشترین استفاده را کرد تا اینکه خلافت به منصور عباسی رسید: منصور حکومت خود را از چند سوتهدید شده می دید: از طرف علویها ادعا داشتند که حکومت آن آنهاست و به عباسیان به عنوان (دولت موقت) می نگرند و چنین می پندارند که هر آن بخواهند میتوانند حکومت را از دست آنها بگیرند و از طرف دیگر احتمال این میبود که امویان فرای سلاح بدست بگیرند و جمع شوند با او بجنگند و این طعمه ارزنده را از چنگش بدر آرند و همچنین علمای مدینه آشکارا فتوای دادند که حکومت عباسیان نادرست است و از همه مهمتر از امام صادق (ع) سخت می هراسید و اقبال مردم بر آن حضرت زندگی را در کامش تلخ کرده بود، همیشه ذهن منصور نسبت به امام صادق (ع) آشفته و مشوش بود زیرا میدانست صد ها هزار نفر به امامت او معتقدند و پول های خود را برای او می آورند و با چشم عظمت و ارجمندی به او مینگرند و احتمال خروج آن حضرت در نظر منصور خیلی زیاد بود تا اینکه دریافت، حتی نزدیکان و مقربان درگاه سلطنتی نیز گاهی با امام همکاری و از — او اطاعت مینمایند زیرا امامتش را پذیرفته و او را مقروض الاطاعه می دانند، اینجاب بود که منصور کمر به قتل امام بست و این اندیشه همواره او را می آزد، تا اینکه در روز ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری با زهر امام را مسموم و بس — شهادت رساند، پس امام صادق علیه السلام در روز شهادت ۶۵ ساله بوده است.

در آخرین لحظات زندگی حضرت

دستور داد تمام خویشاوندانش را کنار بسترش جمع کنند آنگاه نگاهی به آنها نموده و آخرین سخن خود را به همه گوشزد کرد، این سخن حضرت نه تنها به خویشاوندان نزدیکش که به تمام پیروانش تا قیام قیامت می باشد فرمود: به تحقیق کسی که در نماز سهل انگاری می کند به شفاعت مانا نائل نخواهد شد.

والسلام

اولین سالگرد پیروزی...

شدن یکسال از پیروزی انقلاب اسلامی که جناب باصطلاح رئیس جمهور، وزیر دفاع نام نهاد و همکارش سیاف چه ارمغانی، چه دست آوردهائی برای مردم ستم کشیده افغانستان به بار آورده؟ در تمام جهان رسم است که در سالگردهای پیروزی و استقلال شان رؤسای دولت گذارشی از فعالیتهای شان به پیشگاه ملت ارائه مینمایند، آقای ربانی رئیس جمهور و مسعود و سیاف مسئولین امنیت کشور چه دارند که بگویند؟ مگر اینکه بگویند خانه های مسکونی کابل را بر سر مردم ویران کردیم، زمینه ایجاد امنیت و ثبات کشور را بکلی از بین بردیم، اطفال معصوم و زنان و پیره مردان را در افشار کابل سر بریدیم، پول و دارائی دولت را به این و آن بخاطر تحکیم حزب و گروه خاص خود پخش کردیم، تعدادی شماری از مردم کابل را از کشور آواره کردیم و با این اعمال و کردار — ناشایست خود حل و عقد تذبذوری بکار بردیم تا کشورهای جهانی که آماده کمک بملکت فقیر ما بودند صرف نظر کنند و آنچه از مردم در کشور باقی مانده اند از فقر و کمبود بمانند.

آری جز این نمیتوانند بگویند چنانچه کرده اند. بهر حال اینک ملت مظلوم افغانستان در سالگرد انقلاب شان بجای سرور و شادمانی درسوگ خیلی از عزیزان خود که بوسیله باند های شرور — مسعود و سیاف شهید و معلول گردیده اند نشسته و چشم های بی فروغ شان بس — توافقنامه اسلام آباد که در آستانه حلول سال ۱۳۷۲ بار دیگر سرنوشت شان را به بوت — آزمایش گذاشته دوخته شده دیده شود چه میشود که ما امیدواریم سال ۱۳۷۲ — صلح و ثبات و امنیت در کشور باشد.

والسلام ۲۵ ار ۱۳۷۲

معرفی کتاب مهم در تاریخ افغانستان

قسمت دوم



و با اینکه عبدالرحمن خان تنها امیر با سیاست و تدبیر افغانستان است ولی شدت عمل و سفاکی او قدری تاریخ اورا رقتور و قیمتش کاسته یکی از طرفداران محمد ایوب خان را در قفس آهنین گذارده در سرچنار عظیمی او بخت که در انجام توجه طرف مغرب باشد که چه وقت ایوب خان خواهد رسید و این شخص در آن قفس استخوانهایش پوسید و هم چنین غلام محمد خان طرزی را که از نواده گان سردار رحمدل خان بود بواسطه طرفداری امیر شیرعلی خان امر نمود بیرون دو دیوار قرار داده دو فوج بسراوت غوط کردند و او را بهمان حال و قبیل از شستشو با خانواده اش به هندوستان تبعید نمود و از سلطان عثمانی متوسل و در بیروت با معاش مختصری که از طرف سلطان داده میشد زندگانی خود را خاتمه داد، برای اینکه کسی بخط و زبان انگلیسی آشنا نشود تحصیل انگلیسی قدغن کرده بود، حیدرعلی پسر میرزا قاسم علی قزلباش از روی خط منشی عبدالرزاق هندی چند کلمه انگلیسی نوشته بود مشارالیه را دستگیر و اهک توی چشم ریخته که چون خط انگلیسی نوشته کور شود و مدتی تا عبدالرحمن حیات داشت حیدرعلی خود را کور و اعمی نشان داد ولی بواسطه اب زده کی اهک کور نشده از افغانستان مهاجرت و بشغل تجارت پرداخت .
ادامه دارد

بقیه از : سوگنامه شهید " میثم وحیدری "

و لسوالی قره باغ غزنی در حوالی سالهای ۱۳۴۲ در یک فامیل متدین و مذهبی چشم به دنیا کشود، وی مکتب راتانف ششم ابتدائی در زادگاهش خواند و بقیه تحصیلاتش راتانف دوازده مکتب در قندهار ادامه داد و رویکار آمدن حکومت کمونیستها، در افغانستان برادر شهید " میثم " از ادامه تحصیل بازماند و با آغاز انقلاب اسلامی، ایشان از نخستین کسانی بود که در صف مجاهدین پیوست برادر شهید " میثم " از اولین روزهای جهاد تاهنگام شهادتش همواره بعنوان یک مجاهد و فرمانده مجرب کارآموده بود و در کمال صفا و صمیمیت بی شائبه با حضورش جبهات جهاد را گرم مینمود و کسی بخاطر ندارد که وی مشغول در محدوده یک منطقه و یا ولایت ایفا وظیفه کرده باشد، بلکه هر جا که نیاز بود و جهاد بدون درنگ خودش را میرساند و اره مین جاست که چهره " میثم " بعنوان مخلص ترین مجاهد و فرمانده برای اکثر مناطق هزاره جیات قابل شناخت میباشد، شجاعت و اخلاق مبارزاتی که لازمه اولیه هر فرمانده میباشد، شاخص صفات او بود، دلاوری و حسن مدیریت او را نیز در دغدغه فرد مجاهدان میباشد، شهید بزرگوار " میثم " نه تنها یک فرمانده نظامی بود بلکه که یک شخصیت سیاسی فرهنگی بحساب می آمد، قدرت بیان و سخنوری توانائی قلم و نویسندگی، نیروی تجربیه

رفتار انگلیسها نرم تر و جالب تر بود و نظر بمطالعات عبدالرحمن خان در مدت اقامت در روسیه و رفتار مامورین روسیه با مشارالیه اورا از روسها متنفر نمود و این انزجار بحدی بود که در تاریخ خود همه جا اسم آنها را به بدی نکر کرده است، انگلیسها را بشیر تشبیه کرده و روسها را بخرسی مهیب و در مدت اقامت در ترکستان نیز جاسوسهای انگلیسها کاملاً مراقب او بوده و همواره در نظر داشتند که از رفتار روسها با او در موقع خود استفاده نمایند و کاملاً هم موفق شدند.
امیر عبدالرحمن بنانایب السلطنه های هندوستان روابطش خیلی دوستانه و صمیمانه بود ولی مایل بود که سفیری در لندن داشته باشد و در بعضی مواقع که سیاست حکومت هند را مخالف میل خود می دید بلندن مراجعه نماید و برای انجام این مقصود مایل بود پسر بزرگش حبیب الله خان را روانه لندن نماید ولی در موقعیکه لازم بود اعزام دارد خودش بسختی مریض شد و ترسید که در موقع مرگش حبیب الله خان در کابل نبوده و ایوب خان با سایر شاهزاده گان متواری افغانستان برای بدست آوردن امارت موجب نگرانی فراهم نمایند، علیهذا پسر دوم خود نصرالله خان را با چند نفر از معتمد خود بلندن فرستاد و تقاضای مشارالیه این بود که سفیری در لندن داشته باشد و در امور تابع هندوستان نباشد ولی دولت انگلیس - این تقاضای امیر عبدالرحمن خان را نپذیرفت و نصرالله خان بدون نیل بمقصد بکابل مراجعت نمود، امیر عبدالرحمن خان با فر مانفرمای هندوستان در اول پندی ملاقاتی کرد و تا حدی مشکلات بین خودشان مرتفع نمود ولی از اینکه مامورین انگلستان در هندوستان با او مدار نموده و در واقع او را با آنچه دست خود قرارداد اندر ارضی نبیند ولی بواسطه هوش فطری و تجربه میدانست که غیر از صبر و تحمل چاره ندارد و اگر مثل امیر شیرعلی خان متانت خود را از دست میداد البته با مارت خود و خانواده خویش مثل امیر شیرعلی خان خاتمه داده بود چنانکه نواده اش امیرامان الله خان همین عمل را نمود و در نتیجه امارت افغانستان از نسل محمد افضل خان به نسل سلطان محمد خان طلائی منتقل گردید.
چنانکه فوقاً ذکر شد امیر عبدالرحمن صمیمانه سیاست انگلیسها را متابعت و اطاعت مینمود و از روسها نیز قلیاً متنفر بود و حتی المقدور سعی بود که با اخافه از انگلیسها را مداخله آنها پرهیز نماید و با این سیاست خود در قسمت اخیر موفق هم شد.
در امورات داخلی عبدالرحمن خان بسیار شدید العمل بود و نسبت بمخالفتین خود در نهایت شدت و وسعیت رفتار میکرد

۰۰۰ مطلب مهمی که در دربار امیر عبدالرحمن خان کمال اهمیت را داشته موضوع جاسوسی بوده است، این اداره متمرکز در دربار امیر بوده و تمام جاسوسها مستقیماً با خود عبدالرحمن سروکار داشته اند و اکثر غلام بچه هان نیز متصدی جاسوسی بوده اند و در بلاد همسایه نیز جواسوس زیادی از عبدالرحمن موظف بودند ولی این نکته را باید دانست که شغل این جاسوسها فقط منحصر باین بود که از وضعیت و روحیات و خیالات رقبای امارت افغانستان عبدالرحمن خان را مطلع نمایند مثلاً در ایران از امیر محمد ایوب خان و حالات او و خیالات او اطلاع دهد و در ترکستان از رفتار و حالات سردار محمد اسحق خان و کسانش او را آگاه سازند و در هندوستان از وضعیت خانواده امرای سدوزا یا اولاده امیر شیرعلی خان اطلاع دهند و در داخله افغانستان نیز طرفداران آنها را بشناسد و از بین بردارد و در خارجیه بدست یاری همین جاسوسها همراهان آنها را فریفته و موظف نموده جاسوسان باهای خود قرار دهند و همراهان متنقد و مهم آنها را هر طور است راضی کرده با افغانستان رجعت دهند و در واقع پایداری امارت عبدالرحمن بواسطه دوام بر بوده، یکی اینکه انگلیسها حقیقتاً با مشارالیه مساعدت مینمودند و علت آنهم تنفر عبدالرحمن از روسها بوده است و دوم مراقبت جاسوسهای مشارالیه که بواسطه آنها از کنکاشها و تحریکات داخلی مستحضر شده و سریعاً جلوهگیری مینمود.

(سیاست خارجی و رفتار داخلی امیر عبدالرحمن خان)
امیر عبدالرحمن خان حقیقتاً با انگلیسها متفق و نسبت بسیار آنها صمیمانه رفتار مینمود و علت این رفتار نیز این بود که از ابتدای توقف در روسیه روسها بواسطه موافقت با امیر شیرعلی خان و روابطی که با مشارالیه داشتند با مقاصد عبدالرحمن خان مساعدت نکردند و بعلاوه در چند مورد هم نسبت بمشارالیه توهین نمودند و این رفتار باطرز حکومت روسیه نسبت بسلطه ای که بامرای زبردست خود حاصل نموده و عملیات مقتدرانه حکومت روسیه اورا از روسها متنفر نمود زیرا روسها بهر نقطه ای که دست میافتند برای امر او روشای محلی ابداً حقیقی یا امتیازی قائل نبودند و باتکای قوای خود کمال خشونت رفتار کرده و آنها را با قوه جبریه میخواستند در سیاست داخلی روسیه ذوب نمایند و بر عکس انگلیسها صورت ظاهر را حفظ کرده و آنها را امیر صوری نگاه میداشتند اگر چه متعاقب هر دو سیاست یکی بود ولی

رویدادها و تبصره های

شهری

در تاریخ ۲۰ حمل ۱۳۷۲ جلسه باشکوهی در امام بارگاه ناچاری بمنظور تجلیل از مقام والای شهدای مظلوم کابل از طرف دفتر نمایندگی حزب وحدت اسلامی در کویته بلوچستان برگزار شد، ابتدا آیاتی چند از قرآن کریم توسط یکی از برادران قرائت و سپس برادر رضائی مقاله ای راتحت عنوان سوگنامه شهید " میثم و شهید حیدری " خواندند متعاقبا " جناب آقای معصومی مسئول محترم کمیسیون فرهنگی دفتر مشهد سخنان ارزنده ایراد فرمودند، در خاتمه جناب حجت الاسلام والمسلمین استاد محقق افشار مسئول دفتر کویته بلوچستان سخنرانی مشروح و مبسوطی پرداختند که متن سخنرانی ایشان و آقای معصومی و همچنین مقاله برادر رضائی که بمناسبت شهادت سرداران رشید اسلام شهید " میثم و حیدری " خوانده شده بود در همین شماره بطور جداگانه ای بنشر رسیده .

در اخیر حاضرین در جلسه که متشکل از علما، دانشمندان، موسفیدان، مهاجرین و انصار کویته بودند با فریادها و شعارهای کوبنده حمایت بیدریغ شانرا از حزب وحدت اسلامی و دبیرکل محترم آن استاد " مزاری " اعلام کردند .

نامه برادر یاز محمد یوسفی مسئول ارتباط برادران در آلمان بنام خدا

برادران عزیز و محترم کمیسیون فرهنگی حزب وحدت اسلامی افغانستان و ناشران محترم طلوع وحدت سلام علیکم .

این چهارم بار است که طلوع وحدت برایم میرسد ، جادارد که از شما عزیزان قلبا تشکر و قدر دانی کنم ، لازم بیادآوری است که از مضامین آن که برای مردم محروم و مظلوم تشیع و سایر ملیت های مظلوم و آگاهی آنها حیاتی می باشد زیاد استفاده نمودیم ، راستی طلوع وحدت یکی از وزین ترین نشریه مردم افغانستان است که در خارج از کشور پخش میشود خوشحالم که این نشریه با همه خوبی هاتعلق بملت بزرگ تشیع دارد ، شماره گذشته که بدست ما رسید اربنکه مطالب آن رامایسار لازمی دانستیم به تعداد دوصدانه باقیمت بسیار زیاد تجدید چاپ نمودیم ، قراریکه شما عزیزان میدانید تعداد زیادی از افغانیها و در حدود ۵۰۰ نفر از مردم هزاره انجامهاجر هستند و نیازمیرم به خبرها و اطلاع از حوادث میهن بخون خفته خوددارند و از خود احساسات زیاد نیز نشان میدهد و از خبرهای دلخراش مثل افشار بسیار رنج میبرند و افتخار مجاهد مردان که از حیثیت و شرف دفاع میکنند دارند .

در جهامالی همیشه قسمت گرفته و تاهنوز بیشرترین و موثرترین کمک های مالی را بنی برادران شما در مقایسه با سایر ممالک اروپائی و امریکا ، کانادا ، استرالیا ، در آلمان نموده اند در حالیکه ما سعی داریم تا مردم خود را در جریان تارترین خبرها قرار دهیم متاسفانه خلکاری-

زیادی درین زمینه دیده میشود ، فلهاذا فرستادن طلوع وحدت یکی از عملهای بسیار بسیار ضروری میباشد . از شما خواهشمندیم که در هر بار حداقل ۳۰۰ دانه از نشریه خود برای ما اختصاص داده تا ما بتوانیم بخواست های خیری مردم خود مان جواب گویا شیم البته ما حاضریم که قیمت آنرا به اضافه مصرف پستی آن بعهده بگیریم و ما حاضریم ماهانه فعلا " (۲۰۰۰) - رویه پاکستانی برای شما در هر ماه بفرستیم اگر طلوع وحدت همیشه برای ما برسد مطمئن باشید که شما کمک مؤثر میشود .

در اخیر ازین مکان دور دست پرتوان شما را در سنگر جهاد فرهنگی بوسه زده و بسختی میفشاریم و از خداوند منان توفیق مزید شمارا خواستاریم .

جواب : برادر محترم یوسفی و سایر همکاران و هموطنان - از لطف ، محبت و احساسات شما صمیمانه تشکر مینمایم ، منبعد بحد توان انشالله نشریه برای شما ارسال میگردد شماره حساب بانکی از این قرار است (حبیب بانک کمپلکس ۴۵۶ کویته پاکستان) .

البته در صورت واریز وجهی به این حساب اویز انرا بصندوق پستی ۱۲۲ بمارسال دارید .

(نامه برادر انجنیر غلامسخی ارزگانی)
از امریکا

این برادر پس از اهدا سلام مینویسد : من از پول شخصی ام هر نشریه حزب وحدت اسلامی را تا کنون تکثیر و به هموطنان رایگان توزیع نموده ام و از برادران حزب وحدت در هر جایی که هستند خواهشمندم مدارک تبلیغاتی ، نشریات و غیره بفرستند . تا در ترویج سیاستها ، عملکردها و امورات فرهنگی سهم ناچیز گرفته باشم . ایشان در قسمت دیگری از نامه اش در ارتباط با جنایات اخیر در افشار کابل مینویسد :

" این خود خیلی پرواضح است که با گذشت زمان خطوط و مرزهای دوست و دشمن مشخص گردیده و مسیر انقلاب اسلامی - ملی در ابعاد گوناگونش دقیقتر از هر زمان دیگر در ساحه های سیاسی ، نظامی و ... نمایان میگردد و این بر هر فرزند صدیق و محروم تاریخ کشور کاملا لازم است که سهمی در انقلاب کشور و لوهر قدر کوچک هم باشد ، برای مادر وطن و نسلهای آیند کشور انجام دهد و درین راه خیلی کوشایسیم که مبارزه را آگاهانه دوام بخشیده و حلقه های فولادین وحدت و راعالمانه و مدبرانه نسل به نسل منتقل سازیم . اقلیای ما از ارسال طلوع وحدت متشکرم . تاسیس ۱۳۹۴

جواب : برادر محترم انجنیر غلام سخی از اینککه بتملات کوتاه عمیقترین مسایل ضروری جامعه ما را یادآور شده اید تشکر و اینکه تلاش در جهت رویشگری مواضع حزب دارید جای بسی تقدیر است و ما بنوبه خود موفقیت شمارا ارزومندیم ، طبق معمول نشریه برای شما ارسال خواهد شد انشالله ، ضمنا " خواسته شمارا در مورد کتاب " هزاره ها و هزاره جات پاکستان " که بتازه کی بچاپ رسیده به مولف آن ابلاغ شد تا برای شمارا ارسال دارد .

احمدشاه مسعود قاتل هزاران نفر از مردم بی گناه افغانستان است . مجددی

روزنامه جنگ کویته ۱۵ - اپریل ۱۹۹۳ :

طبق مصاحبه که آقای حضرت مجددی در بیس جمهور موقت سابق افغانستان بای بی بی سی گفت : تمام خرابی ها و مشکلات که فعلا در افغانستان است توسط مسعود سیاف و شورای نظار است وی گفت طبق معاهده اسلام آباد باید برای وزارت دفاع یک شورای دفاع از همه گروهها تشکیل میشد و آن وزارت - خانه را سرپرستی میکرد اما احمدشاه مسعود از تخلیه این عهده انکار کرد . در جواب یک سؤال دیگر گفت که احمدشاه مسعود هزاران - بی گناه مسلمان افغانی راهلاک و زخمی کرده است مخصوصا " برادران شیعه مارا در چنداول و افشار قتل کرد و مناطق آنها را بخرابه تبدیل کرد و این عمل برخلاف اسلام و انسانیت است

بقیه از : سوگنامه شهید " میثم و حیدری " و تحلیل مسایل سیاسی از جمله مشخصات قابل ذکران شهید است که چهره او را در ردیف شخصیت های برانزده ملت تشیع قرار میدهد و از زندگی رابرای جهاد میخواست و جهادش ناب بود و بی الا بش ، حیات سیاسی جهادی شهید " میثم " هدف دار بود و علیرغم فضای الوده حاکم او در جهت آرمانهای والا و مقدس حرکت میکرد . گذشت زمان برای او هدف دار پیش میرفت آری اگر در این زمانه و محیط پراشوب پاک ماندن خیلی مشکل بوده و نیاز به هر روز جهاد دارد . برادر شهید ، روزهای زندگی خویش را پیوسته به جهاد گذرانید و باطمینان میتوانم بگویم که صفحات میازانید قهرمانانه او به الایش ریاوری است الوده نگشت و ارزش جهادی خویش را در پای لجن عفین پول و مقام قربانی نکرد ، پاک و مخلص در صحنه آمد و خوب ادامه داد و سرانجام برای رضای پروردگار خود . ار خون سرخش قیای زندگی را را غوانی نمود ، شهید " میثم " پس از فاجعه افشار ، از نخستین مسئولین بلندی پایه حزب وحدت بود که بمنظور اکمالات نیروهای خط مقدم در کابل همت گماشت ، روحش شاد و یادش گرامی باد .

درگیری های گروهی در ولایت قندهار حدود ۷۰۰ - کشته و زخمی برجای گذاشت

بر اساس گزارشاتی از منابع موثق در درگیری هایکه در ولایت قندهار بین گروههای رقیب در چند روز گذشته جریان داشته تعداد ۷۰۰ - کشته و تعداد بی شمار زخمی برجای گذاشته همین منبع می افزاید که حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ - تن از این زخمی ها تا هنوز به شفاخانه صلیب سرخ کویته پاکستان رسیده است . گفته میشود این درگیریها بین ملانقیب از گروه ربانی از یکطرف و سایر گروههای مسلح از طرف دیگر جریان دارد .



((طلوع وحدت))

چریده : سیاسی ، فرهنگی ، عقیدتی ، خبری
صاحب امتیاز : حزب وحدت اسلامی ، . . .
زیر نظر : کمیسیون فرهنگی .
مرکز پخش : دفاتر و نمایندگان کیهای حزب وحدت اسلامی در خارج از کشور .
آدرس : صندوق پستی ۱۲۲ کویته پاکستان
فون نمبر ۷۲۲۷۹

